



محمدرضا عارف می‌گوید برخی در دولت علیه دولت لابی می‌کنند، راز و رمز ساز ناکوک در پاستور چیست؟

دعوی برانکو-کی‌روشی دولتی‌ها

فرهیختگان یکی از مهم‌ترین مسائل امروز کشور، ناکارآمدی مدیران و اجرایی کشور است. همیشه بر این باور هستیم که بیشترین ضربه را ناکارآمدی دولت، عدم هماهنگی در دولت و قرار دادن نیروها در جاهای نامناسب به برنامه‌های توسعه وارد می‌کند... دولتی که به صورت جزایر جدا از هم به‌نظر برسد، دولت کارآمدی نخواهد بود، دولتی که وزیر آن برخلاف لایحه دولت در مجلس لابی می‌کند، نمی‌تواند موفق باشد. باید از دولت یک صدا بیرون بیاید، اینها حرف‌های اصولگرایان یا رقیبان و منتقدان دولت نیست، بخشی از مصاحبه محمدرضا عارف اصلی‌ترین حامی حسن

روحانی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ و ۹۶ است؛ کسی که حتی انصراف داد تا مقدمه پیروزی روحانی فراهم شود. ناگفته نماند که این جنس انتقاد منحصر به عارف نیست، چرا که خیلی‌ها از مدت‌ها پیش دولت روحانی را ناکارآمد و عامل بسیاری از مشکلات مخصوصا مشکلات اقتصادی می‌دانستند و از عارف و دوستانش هم گلایه‌مند هستند که چرا اینقدر دیر به فکر انتقاد افتاده‌اند و مدت‌ها پیش اظهار نظر نکردند تا شاید روحانی حداقل با این سرعت در مسیر اشتباه حرکت نکند؟! این اشتراک نظر میان منتقدان و حامیان دولت روحانی در خصوص عملکرد

دولت که حالا به عارف هم رسیده، البته در مقابل نوع نگاه حسن روحانی به اداره کشور قرار دارد و به نوعی آن‌را رد می‌کند. مدت‌هاست که رئیس‌جمهور تلاش می‌کند همه مشکلات کشور که نماد آنها مشکلات اقتصادی است را برگردن آمریکا، خروجش از برجام و بازگشت تحریم‌ها بیندازد و بگوید که منشأ غالب مشکلات، داخلی نیست و از خارج است. دولت روحانی البته مسئولیت همان قدر از مشکلاتی را هم که قبول کرده ریشه داخلی دارد برعهده نمی‌گیرد و یا تمام توان در تلاش است مسبب آن را منتقدان یا دیگر نهادهای کشور معرفی کند، مانند همین اظهارنظرهای مکرری که

در مورد برجام یا FATF می‌کنند. در برجام می‌گویند اگر منتقدان نبودند برجام اثر می‌کرد و حتی آمریکا هم خارج نمی‌شد و در FATF هم می‌گویند مسئولیت بر عهده مجمع است و نه حاضرند تضمین بدهند که با تصویب لوائح چهارگانه بخشی از مشکلات اقتصادی حل می‌شود و نه حاضرند تضمین کنند که با اجرای آن در دسرهای امنیتی برای کشور پدید نمی‌آید. خلاصه اینکه دولتی‌ها امروز به شدت دنبال مقصردند تا یار مسئولیت را نپذیرند. به همین بهانه در شماره امروز شواهدی از به‌هم‌ریختگی‌های ریشه‌دار و چالش‌های داخلی در دولت را که رسانه‌ای شده، مرور کرده‌ایم.

لابی دولتی‌ها علیه دولت!

محمدرضا عارف در مصاحبه اخیر خود نکته مهمی را در خصوص اقدامات وزرا در مجلس مطرح کرده و از لابی وزرا علیه دولت در مجلس و با نمایندگان خبر می‌دهد. اومی‌گوید: «دولتی که وزیر آن برخلاف لایحه دولت در مجلس لابی می‌کند، نمی‌تواند موفق باشد. باید از دولت یک‌صدا بیرون بیاید، «محمدرضا عارف توضیح خود را این گونه تکمیل می‌کند: «اگر من رئیس‌جمهور بودم، این موضوع را در دستور کار خود قرار می‌دادم. انسجام و وحدت فرماندهی و دفاع از تصمیمات یک امر ضروری و حیاتی است. دولتمردان باید نسبت به تصمیمات دولت تعصب داشته باشند. نمی‌شود لایحه تفکیک وزارتخانه‌ها در دولت به تصویب برسد، اما وزیر علیه آن در مجلس تلاش کند.»

این خبر را البته پیش‌تر اسحاق جهانگیری هم مطرح کرده و درباره لابی وزرا با نمایندگان مجلس گفته بود: «این مساله شایعه نیست، واقعی است. بالاخره وزارتخانه‌ها کارشان همین است. بالاخره هیچ‌یک از اعضای دولت آشکارا نمی‌گویند که «با این کار دولت مخالف هستم»، ولی وقتی در جمع خصوصی می‌نشینند و نظر کارشناسی خودشان را می‌گویند، آنگاه مغایر نظر دولت نظر می‌دهند.»

ماجرای دیگر لابی نمایندگان علیه مصوبت دولت به مساله بودجه برمی‌گردد که بارها از سوی اعضای دولت هم بیان شده که همزمان با ورود لایحه به مجلس، نمایندگان وزرا هم عازم پارلمان می‌شوند تا با جلب نظر نمایندگان بودجه وزارتخانه‌های خود را تغییر داده و آنها را بیشتر کنند. این مساله را احسام‌الدین آشنا در گفت‌وگویی که اخیرا داشته مطرح کرده و در عین حال قبلا نیز از سوی برخی نمایندگان و حتی اعضای دولت مطرح شده بود. سومین موضوع در مورد لابی مدیران دولت برای تحکیم یا ادامه حضور خود در قدرت است. بارها از سوی نمایندگان مطرح شده که دولتی‌ها برای ادامه حضور خود در پست‌هایی مانند استانداری‌ها یا هیات‌مدیره برخی شرکت‌های دولتی یا حتی ادامه حضور در وزارتخانه که تصمیم به تغییر آن در دولت گرفته شده، از نمایندگان مجلس کمک می‌طلبند که این خود نشان از اخلال در سازوکار تصمیم در دولت است.

من نبودم دولتی‌ها!

تصمیم اشتباه تعیین نرخ ارز ۴۲۰۰ تومانی را می‌توان یکی از مصادیق بارز در آشفتگی و ناهماهنگی دولت خواند؛ اقدامی که توسط معاون اول رئیس‌جمهور به‌عنوان رئیس ستاد فرماندهی اقتصادی دولت اعلام شد و در رسانه‌هایی چون ارگان رسمی حزب متبوع جهانگیری (کارگزاران) با عناوین پرطمطراقی مانند «بازگشت جهانگیری» و «سرکوب دلار» خبری شد. فروردین‌ماه بود که رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس در سخن علنی از تصمیم دولت برای نرخ ارز دستوری و تبعات آن خبر داد و به صراحت از ناکارآمدی بانک مرکزی در مدیریت بازار ارز و چندصدایی دولت در مسائل اقتصادی انتقاد کرد. در ادامه انتقادات پورابراهیمی، علی‌لاریجانی نیز این ایراد را به دولت وارد دانست و گفت: «در نظری یکی از مشاوران رئیس‌جمهور می‌گوید باید قیمت ارز افزایش یابد و پس از آن رئیس‌جمهور و وزرا نرخ تکلیفی اعلام می‌کنند. کنترل کنید این افراد را؛ این چه وضعی است؟» دلار ۴۲۰۰ تومانی خیلی زودتر از تصور نشان داد که دست‌انث برای سرکوب ارز خالی است و نه تنها افساری بر بی‌ثباتی بازار نشد، بلکه رانتی عظیم و گسترده رقم زد، به گونه‌ای که آنها که روزی به واسطه این اقدام از جهانگیری سوپرمن ساخته بودند (حزب کارگزاران) خیلی زود، لباس سوپرمن را آویزان کرده و در بیانیه‌ای رسمی این اقدام را به اوج سرگشتگی اقتصادی دولت تعبیر کردند که علاوه بر رانت‌زایی، سردرگمی بازار و ابهام

و سرگشتگی فعالان اقتصادی کشور را در پی داشت. وقتی طبل ناکارآمدی دلار جهانگیری از بام افتاد، دیگر هیچ‌کسی در دولت نبود که مسئولیت این اقدام را بپذیرد. ولی الله سیف، رئیس کل وقت بانک مرکزی در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» گفت دلار ۴۲۰۰ تومانی سیاست بانک مرکزی نبوده و خود دولت در ستاد اقتصادی اش این تصمیم را گرفته است! در مقابل محمد شریعتمداری که آن زمان عهده‌دار وزارت صمت بود، اشاره داشت که «تصمیم دلار ۴۲۰۰ تومانی ۲۴ ساعته گرفته نشده، چرا که با ایجاد عدم قطعیت سیاسی از سوی آمریکا و احتمال استفاده از اسنپ‌ک در برجام، استراتژی دولت نیز همزمان طراحی شد تا بازار ارز کشور کنترل شود. مسئولیت طراحی این ماشین با بانک مرکزی بود.» مسعود نیلی نیز در گفت‌وگو با «تجارت‌فردها» مجاری نرخ ارز را نقطه اختلاف و افزایش از دولت خوانده و گفته حتی در هیچ‌یک از جلساتی که این تصمیم گرفته شده، حضور نداشته است. غلامحسین کرباسچی، دبیرکل کارگزاران هم که آبروی هم‌حزبی اش یعنی جهانگیری را



برباد رفته می‌دید، آیان ماه بود که آستین‌ها را برای دفاع از چهره جهانگیری بالا زد و به شرق گفت: «این آقای روحانی بود که به جهانگیری فشار آورد و گفت او باید نرخ ارز چهار هزار و ۲۰۰ تومانی را اعلام کند، در همان جلسه روحانی به جهانگیری گفت دولت یعنی آقای جهانگیری! این در حالی بود که دوستانی که به جهانگیری مشورت می‌دادند، گفته بودند با این تصمیم مخالف هستند و خود او موافقت چندان با این مساله نداشته است.»

بعد از آن بود که حسام‌الدین آشنا در گفت‌وگو با اندیشه‌پویا از جلسات که جهانگیری با تیم اقتصادی دولت گذاشته بود و بعد نتیجه آن دلار ۴۲۰۰ تومانی شده بود، خبر داد و اینکه بعد از آن جهانگیری در جلسه‌ای با حضور همه تیم اقتصادی از جمله نیلی و نهاوندیان نرخ دستوری را به رئیس‌جمهور اعلام کرده و به گفته آشنای دولت تنها در آن جلسه رئیس‌جمهور با این طرح مخالف بوده است!

دوئل در پاستور

بسیاری از ناظران بخشی از مشکلات دولت را ناشی از یک‌دست نبودن ترکیب کابینه به‌ویژه مهره‌های کلیدی آن می‌دانند؛ مهره‌هایی که عمدتا خاستگاه‌شان به دو حزب اعتدال و توسعه و کارگزاران برمی‌گردد. ماجرا از این قرار است که انتظار کارگزاران و سایر طیف‌های سیاسی اصلاح‌طلب آن طور که می‌خواستند، در تقسیم کرسی‌های کابینه برآورده نشده و حالا همین موضوع کشمکش‌های بعدی را پدید آورده است؛ کشمکش‌هایی که از قضا گویا ابایی هم از رسانه‌ای شدن‌شان وجود ندارد و هر بار به بهانه‌ای سر برمی‌آورند.

نقطه آغاز دعوی این دورا باید در آغاز دولت دوازدهم جست‌وجو کرد؛ جایی که محمود واعظی از وزارت ارتباطات تا رئیس‌دفتری رئیس‌جمهوری پیش‌رفت و وزن حزب اعتدال و توسعه در کابینه را سنگین کرد. نقش پررنگ واعظی در چنین کابینه و در عوض به حاشیه راندن جهانگیری از همان ابتدا سروصدای زیادی را پشت در پاستور به‌پا کرد و انتقادات زیادی را در میان حامیان اصلاح‌طلب رئیس‌جمهور برانگیخت.

در ادامه، گوشه‌نشینی معاون اول رئیس‌جمهور به روزهای ابتدایی و چینش کابینه محدود نشد و در ماه‌های بعد نیز ادامه یافت. همین موضوع در کنار دست‌بالای حلقه نوبخت، واعظی و نهاوندیان در دولت، کارگزاران را حسابی برآشفته و باعث شد در نهایت دست به قلم شوند و با صدور بیانیه‌ای هر آنچه می‌خواست دل‌تنگ‌شان بگویند؛ بیانیه‌ای که «دولت سرگشته» روحانی در آن به «فقدان استراتژی روشن اقتصادی» متهم شده و بر لزوم جایگزینی «مردان رزم» به جای «مردان بزم» و تغییر در مدیریت سازمان برنامه و بودجه تاکید شده بود.

این بیانیه البته بی‌پاسخ نماند و واکنش متقابل حزب اعتدال و توسعه را به‌عنوان ستون فقرات دولت برانگیخت. این بار نوبت آنها بود تا کارگزاران را به سلب مسئولیت خود از نتایج تصمیمات نیروهای شاخص این حزب و جاخلی دادن‌های سیاسی متهم کنند. هر چه بود، صحبت‌های جهانگیری مبنی بر اینکه «امکان جابه‌جایی منشی‌اش را هم ندارم»، هیزم‌پایر این معرکه شد و شکاف موجود را از آنچه بود، عمیق‌تر کرد. اگرچه این سوال همواره بی‌پاسخ ماند که در این صورت ادامه حضور او در دولت اساسا چه موضوعیتی می‌توانست داشته باشد.

درگیری داخلی بلای جان دولت

درگیری میان اعضای کابینه، معاونان و مدیران ارشد دولت از مصادیق آن اتفاقات عجیبی است که در دولت روحانی بیشتر از هر زمان دیگری به چشم آمده و بسیاری آن را از جمله دلایل عدم توفیق در بسیاری از مقاطع ۶ سال گذشته می‌دانند. این درگیری‌ها آنقدر جدی بوده که بارها به رسانه‌ها کشیده و مدت‌ها چالش برانگیز شده است.

اول مهم‌ترین اتفاق مربوط به نامه چهار وزیر دولت به حسن روحانی است. ۱۲ مهر سال ۹۴ این نامه منتشر و بسیار خبرساز شد. علی طیب‌نیا وزیر وقت اقتصاد، محمدرضا نعمت‌زاده وزیر وقت صنعت، علی ربیعی وزیر وقت کار و حسین دهقان وزیر وقت دفاع در نامه‌ای مشترک به رئیس‌جمهور به انتقاد از برخی تصمیمات و سیاست‌های ناهماهنگ دستگاه‌ها، هشدار دادند اگر تصمیم ضرب‌الاجل اقتصادی گرفته نشود، رکود تبدیل به بحران خواهد شد. این نامه تا مدت‌ها در محافل مطرح بود و بعدا حکایت دلخوری شدید روحانی نیز به گوش مردم رسید. در سال ۹۶ و با پایان دولت ست از این وزرا از دولت کنار گذاشته شدند و علی ربیعی نیز بعدا با حاشیه‌هایی که گفته شد ناشی از عدم پشتیبانی دولت از وی بوده، از مجموعه وزرا خارج شد.

دوم درگیری علی ربیعی و حسن قاضی‌زاده اما ریشه‌دارترین چالش دولت حسن روحانی بود؛ آنقدر که وزیر بهداشت تهدید کرده بود در دولت دوازدهم حضور نمی‌یابد، ولی با واسطه برخی نزدیکان روحانی او به کار خود ادامه داد و نهایتا توانست حرف خود را به کرسی بنشاند و علی ربیعی را از دور خارج کند. ماجرای این درگیری همپوشانی فعالیت در دو وزارتخانه بود. قاضی‌زاده هاشمی می‌گفت چرا بهداشت دست وزارت ظالم به اصطلاح رفاه است و دغدغه عدم تخصیص اعتبار برای سلامت از جمله طرح پرحاشیه تحول سلامت را داشت و در مقابل علی ربیعی از پول‌هایی که برای این حوزه هزینه کرده است می‌گفت و انتقاد به عملکرد وزارت بهداشت.

سوم دعوی زنگنه، وزیر نفت و نعمت‌زاده، وزیر صنعت در دولت یازدهم از چالش‌هایی بود که حسابی در رسانه‌ها خیرساز شده بود. ۱۲ خرداد ۹۳ وزیر صنعت یعنی محمدرضا نعمت‌زاده از نتایج پرورنده حیثیتی کرسنت خبر داد و گفت ایران ۱۸ میلیارد دلار جریمه شده است، زنگنه که خودش از موثرترین افراد در قرارداد کرسنت بود، همان زمان نعمت‌زاده را عوام خواند و گفت که او الکی حرف می‌زند. این درگیری برای مدت‌ها ادامه داشت و دلخوری‌های خیلی زیادی را بین دو طرف ایجاد کرد.

چهارم جدال روحانی با رئیس سازمان انرژی اتمی را نباید از درگیری‌های پرسروصدای دولت جدا کرد. صالحی در مصاحبه با «العربی‌الجدید» درباره نقصان برجام و عدم وفای به عهد غربی‌ها در رفع تحریم‌های مالی و بانکی خبر داد و تصریح کرد که ایران همچنان تحت تحریم است. پاسخ شدیدالحن این حرف را اما حسن روحانی نه در خفا کرد که در نشست خبری خود داد. روحانی در واکنش به اظهارات معاون خود گفت: «صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی است و در زمینه مسائل اتمی هرچه بگوید صاحب‌نظر است، ولی وزیر امور خارجه، وزیر اقتصاد یا رئیس بانک مرکزی نیست، بنابراین می‌توانید درباره انرژی اتمی از وی سوال کنید.»

پنجم درگیری‌های ترکان با وزرا خود یک مثنوی حرف دارد؛ یک بار مفصل با آخوندی، بار دیگر با طیب‌نیا و در برهه دیگر با نعمت‌زاده. از مورد آخر که قدیمی‌تر است، شروع کنیم. نعمت‌زاده در زمان وزارت خود و در یک سخنرانی نسبت به واردات از مناطق آزاد و مساله قاچاق اعتراض می‌کند و می‌گوید: مناطق آزاد یکی از گلوگاه‌های واردات و قاچاق است. اینکه مردم کالایی را به‌عنوان سوغاتی از این مناطق وارد کنند، مساله‌ای نیست، اما وقتی برخی افراد نپسان را پر می‌کنند و تریلی‌های مملو از کالا را روانه سرزمین اصلی می‌کنند، دیگر روشن است که هدف، واردات و به عبارت دیگر قاچاق کالا است. هر روز از صفحات روزنامه‌ها تبلیغات خرید املاک تجاری در مناطق آزاد دیده می‌شود که نشان می‌دهد خبری از تولید در آن مناطق نیست. «این اعتراض با واکنش تند ترکان در رسانه‌ها همراه شد. ترکان که مسئولیت سازمان مناطق آزاد را در دولت اول روحانی برعهده داشت، در این باره می‌گویند: «نعمت‌زاده مواظب حرف زدنش باشد، وگرنه از کوره درمی‌روم و چیزهایی می‌گویم. بنده خجالت می‌کشم یک‌سری مسائل را درباره ایشان به زبان آورم.» درگیری ترکان با طیب‌نیا اما در مورد نظارت وزارت اقتصاد بر مناطق آزاد بود که آن هم به رسانه‌ها کشید و وزیر وقت اقتصاد از عدم توانایی خود بر نظارت این مناطق خبر داد. آخرین درگیری ترکان اما با وزیر وقت راه و شهرسازی است؛ چالشی توسعه‌یافته و عمیق بر سر سازمان نظام مهندسی که منجر به جدال لفظی در رسانه‌ها هم شد. ترکان در گفت‌وگویی درباره رفتار عباس آخوندی می‌گویند: «ایشان مستبد است؛ افرادی که تصور می‌کنند همه چیز بلدند و بقیه چیزی سرشان نمی‌شود. این اشتباه است.»